رویکرد های سیاسی حزب عدالت و توسعه در خاورمیانه

رضا صولت

پژوهشگر مهمان مرکز مطالعات خاورمیانه

مدل ترکیه برای خاورمیانه ترکیبی از اسلام، دموکراسی و سکولاریزم است. حزب «عدالت و توسعه» با بازبینی سیاست خارجی نقش منطقه ای ترکیه را به شدت افزایش داد. این حزب سعی داشت مدلی از ترکیه ارائه دهد که علاوه بر تأکید بر دموکراسی سکولار با اسلام نیز سازگار باشد. بسیاری از سیاست های منطقه ای آنکارا منعکس کننده تغییرات در محیط داخلی ترکیه است. البته دیدگاه های ایدئولوژیک رهبران حزب عدالت و توسعه در شکل گیری این سیاست ها تأثیرگذار بوده اند. آنان به واسطه سیستم عقلایی که در این زمینه به وجود آوردندقادر شده اند تا یک تصویر منعطف و فعال از سیاست خارجی خود در خاورمیانه را به نمایش بگذارند.

ابزار کلیدی سیاست خارجی ترکیه ترکیب موفقی از «دموکراسی» و «اسلام» است. عرصه داخلی در ترکیه به صورت خط مونتاژی برای مدل ترکیه درآمده است. یکی از مهمترین وجوه اندیشه سیاستمداران حزب عدالت و توسعه، توجه به عنصر دین در جامعه است. بررسی عملکرد چند ساله دولت حزبی نشان می‌دهد که توجه به دین از دغدغه های اصلی سیاستمداران جوان اسلامگرا بشمار می رود. ولی وجود ساختارهای انعطاف ناپذیر در ارکان حاکمیت که طی بیش از ۸۰ سال چیرگی فضای غیردینی شکل گرفته، تاکنون مانع از تحقق قابل قبول برنامه های اسلام گرایان شده است.

نکته در خور توجه در اندیشه اسلام گرایانهٔ حزب عدالت و توسعه، نبود تفکر اسلام سیاسی است. این سیاستمداران عنصر دین را به عنوان بخشی از مطالبه عمومی مردم مسلمان ترکیه

و اغلب ناظر بر مظاهر دینی نظیر حجاب، مدارس دینی و مناسک مذهبی تلقی می‌کنند و در پی آن نیستند که دین را به طور کامل وارد قوانین کشور و قواعد حکومتی کنند. دین گرایی آنان بیشتر به شکل نوعی آزادیخواهی فردی و اجتماعی نمود پیدا کرده است. اسلام گرایان معتدل، افزون بر دین در حوزه های دیگری چون حقوق اقلیت های قومی و مذهبی نیز سیاست های مسامحه گرایانه دارند و تأمین این حقوق را در دستور کار خود قرار داده اند. بنابراین کارشناسان ترکیه اذعان می‌کنند علی‌رغم مشکلات خاورمیانه، با وجود دولت‌ها و رژیم‌های عرب غیر منتخب و قدرت طلب از قبیل سوریه، بحرین و عربستان، آنکارا الگوی سیاست‌های خارجی خود را دنبال خواهد کرد. بحث حاکمیت سیاست خارجی دولت ترکیه از سوی حزب عدالت و توسعه در منطقه بر منطق روابط دوگانه استوار است که اغلب بر ویژگی های داخلی رژیم‌ها تأکید دارد. ولی در عین حال آنها را نادیده می‌گیرد و در عوض روی تقویت مناسبات تجاری با این رژیم‌ها پا می فشارد. در این حالت می‌توان گفت با تأکید بر مؤلفه‌های رئالیستی، رژیم‌های موجود را شرکای اقتصادی قبول کرده است و با توجه به تأکید شدید روی تعاملات اقتصادی، رهیافت لیبرالیستی،ترکیه مجبور به بازبینی سیاست خارجی خود شده که طبق آن توانسته است خود را به عنوان قهرمان انتقال دموکراتیک قدرت در آفریقای شمالی معرفی کند و حتی در این زمینه از ظهور جنبش‌های آزادی خواهانه کشورهای عربی در زمستان ۲۰۰۰-۲۰۱۰ به شدت حمایت به عمل آورد.
درواقع تحول سریع و پویایی داخلی و خارجی مدل ترکیه در طیف گسترده ای از حوزه‌های مختلف نمود یافته و خطرات و فرصت های جدیدی را فراهم آورده است. با ایجاد ارتباط مجدد با تاریخ و جغرافیای خود، ترکیه ارزش های راهبردی را به زمان و مکان در عصر جهانی شدن مرتبط می‌کند و دیدگاه های تک بعدی و تقلیل گرایی بعد جنگ سرد را کنار گذاشته است.سیاست خارجی، اقتصاد و سیاست گذاری عمومی تا آموزش و پرورش، رسانه‌ها، هنر و علوم،به عنوان بازیگران نو ظهور فعال ترکیه،خواستار تغییر روابط مرکز-پیرامون با هدف ایجاد نظام جهانی دموکراتیک تر و عادلانه ترند.
در دوره حزب عدالت و توسعه، ترکیه موفق شده است که به منطقه برگردد ولی این بازگشت بدون داشتن وابستگی تاریخی است، در این حالت می‌توان عنوان کرد که دولت حزب عدالت و توسعه با حاکمیت قوی، توانست بازبینی در سیاست خارجی به عمل آورد که این بازبینی نمی‌توانست به دنبال پایان جنگ سرد کامل شود، زیراترکیه با بی ثباتی داخلی مواجه بود. حزب عدالت و توسعه در منطقه این تصور را ایجاد کرد که بر دموکراسی سکولار تأکید دارد و در عین حال با اسلام سازگار است.
همان طور که گراهام فولر می‌گوید « برای اغلب اعراب انتخاب یک حزب اسلامی میانه‌رو در ترکیه این نکته را نشان می‌دهد که کشورهایی که میراث و تاریخ مشترکی دارند سرانجام می‌توانند با هم متحد شوند».

در حوزه سیاست خارجی، جمهوری ترکیه تحت حاکمیت سیاستمداران اسلامگرا، ضمن ادامه روال منطقی در فرآیند یکپارچگی با غرب، به محیط پیرامونی خود نیز توجهی اساسی معطوف داشت. یکی از عوامل اساسی پویایی ترکیه در عرصه خارجی مسئله انرژی است. این کشور به پل ارتباطی میان کانون های منبع و مصرف انرژی تبدیل شده است.

بر اساس دکترین «به صفر رساندن مشکل با همسایگان» شاهد بهبود اساسی در مناسبات با ایران، روسیه، یونان و سایر کشورهای منطقه ایم. این دیپلماسی موتور محرک و عامل پویایی سیاست خارجی ترکیه در کسب جایگاه منطقه ای بوده است. مواضع ترکیه تحت رهبری اسلام گرایان میانه رو پیرامون مسئله فلسطین نیز علی رغم جنبه های تبلیغاتی اش،نشان از تعهد عمیق این سیاستمداران به مسایل دنیای اسلام دارد.

اسلام گرایان میانه رو در ترکیه در کنار توجه اساسی به جهان اسلام که با رویکرد حکومت های پیشین قابل مقایسه نیست، به جهان ترک نیز به مثابه بخشی از جهان اسلام تمایل ویژه ای دارند که برخی از تحلیل گران آن را نشأت گرفته از روحیه ایفای نقش تاریخی ترک ها می دانندو از آن با نام اندیشه «نوعثمانی‌گری» یاد می‌کنند.

ظهور حکومتی با گرایش اسلامی در ترکیه، علل مختلفی دارد که از مهمترین آن ها، سابقه تاریخی این سرزمین، ناکارآمدی نظام غیردینی ۸۰ ساله و سیاست های جامعه غرب در برابر جامعه مسلمان ترکیه را می‌توان برشمرد. هرچند دولت اسلام گرای ترکیه مناسبات گسترده ای با غرب دارد، ولی تفاوت ماهوی بین این دولت با حکومت های غربی از بین نرفته است و به عنوان مانعی بر سر راه یکپارچگی کامل ترکیه با دنیای غرب در تمام حوزه ها درآمده است. جهان غرب با درک این واقعیت که نخواهد توانست جامعه مسلمان ترکیه را در خود هضم کند، بلکه بر عکس ممکن است، جامعه ترکیه بر بدنه اروپا تأثیرگذار باشد، فرآیند یکپارچه سازی ترکیه و اروپا را با اجبار و اکراه دنبال می‌کند.

نکته مهم دیگر درباره اندیشه اسلام گرایی میانه رو درحزب عدالت و توسعه، توجه به دین و فاصله گرفتن از رویکردهای

■ تحول سریع و پویایی داخلی و خارجی مدل ترکیه در طیف گسترده ای از حوزه های مختلف نمود یافته و خطرات و فرصت های جدیدی را فراهم آورده است

اقتدارگرایانه و توسعه فرآیند دموکراسی است، که این رویکرد سبب رضایت و در نتیجه حمایت گروه های مختلف جامعه از آن می‌شود.
غرب در ظاهر مدل اندیشه اسلام گرایی حزب عدالت و توسعه را جایگزین مناسبی برای اسلام گرایی رادیکال ،که منافع غرب را به صورت بنیادین به چالش می کشد، می داند. ولی اگر این تفکر سازگار با غرب در پی اتحاد با سایر بخش های جهان اسلام برآید، همچنان از حمایت غرب برخوردار خواهد بود.
دولت ترکیه با تأکید بر مؤلفه های رئالیستی، رژیم‌های موجود را به عنوان شرکای اقتصادی قبول کرده است اما با توجه به تأکید شدید بر تعاملات اقتصادی و مؤلفه‌های لیبرالیستی مجبور به بازبینی سیاست خارجی خود شده است. این رویکرد نشان می‌دهد که ترکیه در حال حاضر به زبان منطقه سخن نمی‌گوید و این ممکن است اختلالاتی در سیستم سکولار دینی آنان ایجاد کند. بنابراین مدل لیبرال ترکیه کاملاً بر اساس محاسبات سیاست واقع‌گرا با هدف تامین منافع ملی این کشور در منطقه حرکت می‌کندتا دسترسی به اهداف ایدئولوژیک و آرمان گرا.
سیستم سیاسی که در آن اسلام، دموکراسی و سکولاریسم در کنار هم قرار دارند و منجر به یک جامعه صلح‌طلب شده است که ثبات و شکوفایی اقتصادی را در میان بحران‌های مالی جهان تجربه می‌کند. آنکارا معتقد است، دموکراسی در منطقه علاوه بر کمک به پیشرفت های اقتصادی بزرگ منجر به افزایش حجم تجارت ترکیه خواهد شد. در واقع مدل ترکیه از فرهنگ، تاریخ و جغرافیای آن نشأت می‌گیرد. ترک ها این مؤلفه‌ها را سرمایه‌های راهبردی خود در سیاست داخلی و خارجی می‌دانند در عین حال دیپلماسی جدید عمومی ترکیه بر اساس توسعه قدرت نرم ترکیه در بالکان، خاورمیانه و قفقاز قرار دارد. در حالی که به نظر نگارنده ترکیه به مناطق جدید و قدرت های نوظهور نیز توجه دارد و خود را با آنها همراه می‌کند. و با متحدان قدیمی نیز رابطه دوستانه دارد و در پی کسب توانایی‌های جدید برای

توسعه متنوع قدرت نرم و روابط راهبردی در بطن منطقه و جهان است. زیرا ترکیه بر ترس‌های قدیمی خود غلبه و هویت جدیدی برای خود ایجاد کرده است و فرآیند تغییر و اصلاحات کشور تأثیر زیادی روی سیاست داخلی و خارجی ترکیه داشته است.

در انتها می‌توان گفت؛ این مدل با تغییرات حاصل از پویایی داخلی ترکیه به دلیل اداره دیپلماسی عمومی و آثار بعدی آن روی سیاست خارجی (قدرت نرم) از طریق نوار گسترده‌ای از اروپا تا آمریکا و خاورمیانه و حتی آسیا مشاهده می‌شود و این پویایی جدید که در دوره مدرنیزه شده ترکیه ظاهر شده است، به روابط در حال گذار ترکیه با نظام بین‌المللی ابعاد جدیدی می‌دهد. همان طور که قبلاً نیز گفته شد، ترکیه جدید حاصل یک تفکر ژئوپلیتیک جدید از یک طرف و اولویت‌های اقتصادی و امنیتی از سوی دیگراست. دیگر نمی‌توان تغییرات تکنیکی در سیاست خارجی ترکیه را با ملاحظات ایدئولوژیک یا نگرانی‌های امنیتی بررسی کرد و قربانی این بازبینی در راهبردسیاست خارجی اگر چه شرکای راهبردی ترکیه از جمله سوریه بوده اند؛ چراکه آنکارا سال ها تلاش کرده بود تا روابط خود را با دمشق عادی سازد اما تحت ردای توسعه الگوی ترکیه‌ای یک دیدگاه واقع گرا وجود دارد و آن جلوگیری از نفوذ روسیه، چین و ایران است.